

خسارت امت در نبود خلافت

مسلمانان با از دست دادن خلافت، اسلام را به عنوان نظام زندگی ازدست داده‌اند، پس از آن که الله سبحانه و تعالی انسان را برای جانشین در روزی زمین نظر به فرموده‌اش ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ و نیز اقامه احکام دین‌اش خلق کرد، تا آن که اصلاح فساد در زوی زمین را به عهده بگیرد. این جانشینی انسان که وی در ابتدا مخاطب قرارداد شده است، تا باشد که رسالت پروردگار جهانیان را حمل نماید. همه بشریت مأمور به تنفیذ اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی در روزی زمین اند، این اوامر و نواهی او سبحانه و تعالی تطبیق نمی‌گردد مگر با نیابت یکی از بشریت که شریعت الله سبحانه و تعالی را اقامه کند و مسئول در برابر اقامه شریعت الله سبحانه و تعالی از میان بشریت همانا خلیفه است.

به این اساس خلافت ریاست عامه مسلمانان در دنیا برای برپایی احکام شریعت و حمل دعوت به جهانیان شناخته می‌شود، و نیز بر بالای مسلمانان فرض از جمله تاج الفروض است که فرائض دیگر با آن برپا می‌شود، کوتاهی در این راستا گناهی است که الله سبحانه و تعالی محاسبه می‌نماید، زیرا اقامه این امر به معنی اقامه تمام دین و ضیاع آن تقریباً ضیاع تمام دین است. پس خلفاً اساس رعایت در پیوند به شریعت الله سبحانه و تعالی هستند و امور مردم را به اساس فرمانبرداری الله سبحانه و تعالی تحت چتر خلافت تنظیم می‌نماید.

در حالیکه عقیده مسلمانان در مورد "جانشینی" فردیت بنده‌گی در برابر الله سبحانه و تعالی، وحدانیت و عبودیت او تعالی است که مستلزم اطاعت از دستور الله با اقامه و اجرای احکام اسلامی است که به امت و به نیابت از امت که همانا خلیفه می‌باشد واگذار شده است، تا باشد که زندگی بر وفق آن چه او سبحانه و تعالی می‌خواهد شکل گیرد در غیر آن زندگی ضیاع بوده و هدر می‌رود.

بنابراین می‌بینیم که کفار این خطر را در موجودیت و زندگی شان درک نموده و در صد آن شدند تا از روز اول در برابر این دعوت ممانعت نموده و به روش‌های مختلف برای ریشه کردن کردن و سرنگونی دولت خلافت به جنگ برآمدند.

﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَفَاعُوا﴾ [بقره: 217]

و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند

رسول الله صلی الله علیه وسلم دولت را در مدینه منوره تأسیس نموده و در وثیقه‌ای بیان داشته است که مسلمانان از سایر امت‌های دیگر، امت واحد هستند؛ سپس امت اسلامی به حمل اسلام با تمام قوت فهم و تطبیق به آن پرداختند که دامنه چنین دولتی به شرق و غرب امتداد یافت. سرانجام کفار درک کردند که سقوط این دولت امکان ندارد مگر با سقوط احکام آن، و سقوط احکام آن امکان ندارد مگر با سقوط خلیفه آن؛ بناً باید آنرا تضعیف ساخت و تضعیف آن با تضعیف تفکیر و فهم عقیده است، این چیزی است که ما آنرا عملاً دیدیم؛ قبل از سقوط خلافت ضعف فکری امت اسلامی به 200 سال پیش برمی‌گردد، علی‌رغم قدرت فردی سلطان عبدالحمید دوم و تلاش او برای ایستادن در مقابل این سقوط، اما در سال 1924 میلادی سقوط کرد، آن‌جا بود که

فروپاشی امت از نظر فکری و سلوکی افزایش یافت. پس از آن دولت خلافت از هم پاشیده شد، مقدسات آن زیر پا شده، ثروت هایش به غنیمت گرفته شده و دشمنانش براو چیره و مسلط شد. هم‌چنان امت‌های دیگر برآن حمله‌ور شدند، این در وضعیتی غیرقابل پیش بینی قرار گرفته و ما مسلمانان که صاحب افتخار بودیم تابع انسان‌های ذلیل، شدیم. آیا پس از این خسارت،

خسارت دیگری است؟!

#خلافت را تأسس کنید

#أقيموا_الخلافة

ReturnTheKhilafah#

YenidenHilafet#

#خلافت_کو_قائم_کرو

محمد حمدانی- ولایة عراق

03 رجب 1441 هـ.ق

دوشنبه، 15 فیبروری 2021م